**عيد فطر يکي از دو عيد بزرگ در سنت اسلامي**

**عيد سعيد فطر**

عيد فطر يكى از دو عيد بزرگ در سنت اسلامى است كه درباره آن احاديث و روايات بيشمار وارد شده است. مسلمانان روزه دار كه ماه رمضان را به روزه دارى به پا داشته و از خوردن و آشاميدن و بسيارى از كارهاى مباح ديگر امتناع ورزيده اند، اكنون پس از گذشت ماه رمضان در نخستين روز ماه شوال اجر و پاداش خود را از خداوند مى‌طلبند، اجر و پاداشى كه خود خداوند به آنان وعده داده است.
اميرالمؤمنين على(عليه السلام) در يكى از اعياد فطر خطبه‌اى خوانده‌اند و در آن مؤمنان را بشارت و مبطلان را بيم داده‌اند.
خطب اميرالمومنين على بن ابى طالب عليه السلام يوم الفطر فقال: ايها الناس! ان يومكم هذا يوم يثاب فيه المحسنون و يخسر فيه المبطلون و هو اشبه بيوم قيامكم، فاذكروا بخروجكم من منازلكم الى مصلاكم خروجكم من الاجداث الى ربكم و اذكروا بوقوفكم فى مصلاكم و وقوفكم بين يدى ربكم، و اذكروا برجوعكم الى منازلكم، رجوعكم الى منازلكم فى الجنه.
عباد الله! ان ادنى ما للصائمين و الصائمات ان يناديهم ملك فى آخر يوم من شهر رمضان، ابشروا عباد الله فقد غفر لكم ما سلف من ذنوبكم فانظروا كيف تكونون فيما تستانفون (1)
اى مردم! اين روز شما روزى است كه نيكوكاران در آن پاداش مى‌گيرند و زيانكاران و تبهكاران در آن مايوس و نا اميد مى‌گردند و اين شباهتى زياد به روز قيامتتان دارد، پس با خارج شدن از منازل و رهسپار جايگاه نماز عيد شدن به ياد آوريد خروجتان از قبرها و رفتنتان را به سوى پروردگار، و با ايستادن در جايگاه نماز به ياد آوريد ايستادن در برابر پروردگارتان را و با بازگشت‌به سوى منازل خود، متذكر شويد بازگشتتان را به سوى منازلتان در بهشت‌برين، اى بندگان خدا، كمترين چيزى كه به زنان و مردان روزه‌دار داده مى‌شود اين است كه فرشته‌اى در آخرين روز ماه رمضان به آنان ندا مى‌دهد و مى‌گويد:
«هان!بشارتتان باد، اى بندگان خدا كه گناهان گذشته‌تان آمرزيده شد، پس به فكر آينده خويش باشيد كه چگونه بقيه ايام را بگذرانيد.»
عارف وارسته ملكى تبريزى درباره عيد فطر آورده است: «عيد فطر روزى است كه خداوند آن را از ميان ديگر روزها بر گزيده است و ويژه هديه بخشيدن و جايزه دادن به بندگان خويش ساخته و آنان را اجازه داده است تا در اين روز نزد حضرت او گرد آيند و بر خوان كرم او بنشينند و ادب بندگى بجاى آرند، چشم اميد به درگاه او دوزند و از خطاهاى خويش پوزش خواهند، نيازهاى خويش به نزد او آرند و آرزوهاى خويش از او خواهند ونيز آنان را وعده و مژده داده است كه هر نيازى به او آرند، بر آوره و بيش از آنچه چشم دارند به آنان ببخشند و از مهربانى و بنده‌نوازى، بخشايش و كارسازى در حق آنان روا دارد كه گمان نيز نمى‌برند.» (2)
روز اول ماه شوال را بدين سبب عيد فطر خوانده‌اند كه در اين روز، امر امساك و صوم از خوردن و آشاميدن برداشته شده و رخصت داده شد كه مؤمنان در روز افطار كنند و روزه خود را بشكنند فطر و فطر و فطور به معناى خوردن و آشاميدن، ابتداى خوردن و آشاميدن است و نيز گفته شده است كه به معناى آغاز خوردن و آشاميدن است پس از مدتى از نخوردن و نياشاميدن. ابتداى خوردن و آشاميدن را افطار مى‌نامند و از اين رو است كه پس از اتمام روز و هنگامى كه مغرب شرعى در روزهاى ماه رمضان، شروع مى‌شود انسان افطار مى‌كند يعنى اجازه خوردن پس از امساك از خوردن به او داده مى‌شود.
عيد فطر داراى اعمال و عباداتى است كه در روايات معصومين(علیهم السلام) به آنها پرداخته شده و ادعيه خاصى نيز آمده است.
از سخنان معصومين(علیه السلام) چنين مستفاد مى‌شود كه روز عيد فطر، روز گرفتن مزد است. و لذا در اين روز مستحب است كه انسان بسيار دعا كند و به ياد خدا باشد و روز خود را به بطالت و تنبلى نگذراند و خير دنيا و آخرت را بطلبد. و در قنوت نماز عيد مى‌خوانيم:
«... اسئلك بحق هذا اليوم الذى جعلته للمسلمين عيدا و لمحمد صلى الله عليه و آله ذخرا و شرفا و كرامة و مزيدا ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تدخلنى فى كل خير ادخلت فيه محمدا و آل محمد و ان تخرجنى من كل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد، صلواتك عليه و عليهم اللهم انى اسالك خير ما سئلك عبادك الصالحون و اعوذ بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون‌»
بارالها! به حق اين روزى كه آن را براى مسلمانان عيد و براى محمد(صلی الله علیه و اله) ذخيره و شرافت و كرامت و فضيلت قرار دادى از تو مى‌خواهم كه بر محمد و آل محمد درود بفرستى و مرا در هر خيرى وارد كنى كه محمد و آل محمد را در آن وارد كردى و از هر سوء و بدى خارج سازى كه محمد و آل محمد را خارج ساختى، درود و صلوات تو بر او و آنها، خداوندا، از تو مى‌طلبم آنچه بندگان شايسته‌ات از تو خواستند و به تو پناه مى‌برم از آنچه بندگان خالصت‌به تو پناه بردند.
در صحيفه سجاديه نيز دعايى از امام سجاد(علیه السلام) به مناسبت وداع ماه مبارك رمضان و استقبال عيد سعيد فطر وارد شده است: «اللهم صل على محمد و آله و اجبر مصيبتنا بشهرنا و بارك لنا فى يوم عيدنا و فطرنا و اجعله من خير يوم مر علينا، اجلبه لعفو و امحاه لذنب و اغفرلنا ما خفى من ذنوبنا و ما علن ... اللهم انا نتوب اليك فى يوم فطرنا الذى جعلته للمؤمنين عيدا و سرورا و لاهل ملتك مجمعا و محتشدا، من كل ذنب اذنبناه او سوء اسلفناه او خاطر شرا اضمرناه توبة من لا ينطوى على رجوع الى.»
پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست و مصيبت ما را در اين ماه جبران كن و روز فطر را بر ما عيدى مبارك و خجسته بگردان و آن را از بهترين روزهايى قرار ده كه بر ما گذشته است كه در اين روز بيشتر ما را مورد عفو قرار دهى و گناهانمان را بشوئى و خداوندا بر ما ببخشايى آنچه در پنهان و آشكارا گناه گردانيم ... خداوندا! در اين روز عيد فطرمان كه براى مؤمنان روز عيد و خوشحالى و براى مسلمانان روز اجتماع و گردهمائى قرار دادى از هر گناهى كه مرتكب شده‌ايم و هر كار بدى كه كرده‌ايم و هر نيت ناشايسته‌اى كه در ضميرمان نقش بسته است‌به سوى تو باز مى‌گرديم و توبه مى‌كنيم، توبه‌اى كه در آن بازگشت‌به گناه هرگز نباشد و بازگشتى كه در آن هرگز روى آوردن به معصيت نباشد. بارالها! اين عيد را بر تمام مؤمنان مبارك گردان و در اين روز، ما را توفيق بازگشت‌به سويت و توبه از گناهان عطا فرما.» (3)

**مفهوم عيد در فرهنگ اسلامی**

واژه عيد در اصل از فعل عاد (عود) يعود اشتقاق يافته است. معانى مختلفى براى آن ذكر كرده‌اند، از جمله: «خوى گرفته‌»، «هر چه باز آيد از اندوه و بيمارى و غم و انديشه و مانند آن‌»، «روز فراهم آمدن قوم‌»، «هر روز كه در آن، انجمن يا تذكار فضيلت مند يا حادثه بزرگى باشد»، گويند از آن رو به اين نام خوانده شده است كه هر سال شادى نوينى باز آرد. (4)
ابن منظور در لسان العرب گفته است كه برخى بر آن هستند كه اصل واژه عيد از «عادة‌» است، زيرا آنان (قوم)، بر جمع آمدن در آن روز، عادت كرده‌اند. (5)
چنانكه گفته شده است: القلب يعتاده من حبها عيد.
و نيز يزيد بن حكم ثقفى در ستايش سليمان بن عبد الملك گفته است:
امسى باسماء هذا القلب معمودا اذا اقول صحا يعتاده عيدا (6)
به گفته ازهرى: عيد در نزد عرب، زمانى است كه در آن شادى‌ها و يا اندوه‌ها، باز مى‌گردد و تكرار مى‌شود. ابن اعرابى آن را منحصر به شادى‌ها دانسته است. (7)
واژه عيد تنها يك بار در قرآن به كار رفته است:
اللهم انزل علينا مائدة من السماء تكنون لنا عيدا لاولنا و آخرنا و آية منك (سورة مائده / آيه 114) در تفسير نمونه ذيل اين آيه گفته شده است: «عيد در لغت از ماده عود به معنى بازگشت است، و لذا به روزهايى كه مشكلات از قوم و جمعيتى بر طرف مى‌شود و بازگشت‌به پيروزيها و راحتى‌هاى نخستين مى‌كند عيد گفته مى‌شود، و در اعياد اسلامى به مناسب اينكه در پرتو اطاعت‌يك ماه مبارك رمضان و يا انجام فريضه بزرگ حج، صفا و پاكى فطرى نخستين به روح و جان باز مى‌گردد، و آلودگى‌ها كه بر خلاف فطرت است، از ميان مى‌رود، عيد گفته شده است و از آنجا كه روز نزول مائده روز بازگشت‌به پيروزى و پاكى و ايمان به خدا بوده است‌حضرت مسيح (علیه السلام) آن را عيد ناميده، و همانطور كه در روايات وارد شده نزول مائده در روز يكشنبه بود و شايد يكى از علل احترام روز يكشنبه در نظر مسيحيان نيز همين بوده است، و اگر در روايتى كه از على(ع) نقل شده مى‌خوانيم «و كل يوم لا يعصى الله فيه فهو يوم عيد» هر روز كه در آن معصيت‌خدا نشود روز عيد است‌» نيز اشاره به همين موضوع است، زيرا روز ترك گناه، روز پيروزى و پاكى و بازگشت‌به فطرت نخستين است.» (8)
در روايات معصومين(علیهم السلام) نيز بارها به اين موضوع اشاره شده است، همچنانكه گذشت امير المومنين على(ع) هر روزى كه در آن معصيت و گناه نشود، روز عيد خوانده است.
از سويد بن غفله نقل شده است كه گفت: در روز عيد بر امير المؤمنين على(ع) وارد شدم و ديدم كه نزد او نان گندم و خطيفه (9) و ملبنة (10) است. پس به آن حضرت عرض كردم روز عيد و خطيفه؟!.
پس از آن حضرت فرمود: انما هذا عيد من غفرله، اين عيد كسى است كه آمرزيده شده است. (11)
و نيز در يكى از اعياد، آن حضرت فرمود: «انما هو عيد لمن قبل الله صيامه، و شكر قيامه، و كل يوم لا يعصى الله فيه فهو يوم عيد»، «امروز تنها عيد كسى است كه خداوند روزه‌اش را پذيرفته، عبادتش را سپاس گزارده است، هر روزى كه خداوند مورد نافرمانى قرار نگيرد، عيد راستين است.» در روايات اسلامى براى اعياد به ويژه اعياد مذهبى از جمله عيد فطر، آداب و رسوم خاصى توصيه شده در حديثى از معصوم(علیهم السلام) آمده است.
«زينوا اعيادكم بالتكبير» عيدهاى خودتان را با تكبير زينت‌بخشيد.
«زينوا العيدين بالتهليل و التكبير و التحميد و التقديس‌» عيد فطر و قربان را با گفتن ذكر لا اله الا الله، الله اكبر، الحمد لله و سبحان الله، زينت‌بخشيد.

پي نوشت :

1- محمدى رى شهرى، ميزان الحكمه، 7/131 - 132
2- ميرزا جواد آقا ملكى تبريزى، المراقبات فى اعمال السنه، تبريز، 1281 ق ص 167، مجله پاسدار اسلام، ش 101، ص 10
3- نك: ماهنامه پاسدار اسلام، شماره 101، ارديبهشت ماه 1369 ص 10 - 11، 50
رمضان، تجلى معبود (ره توشه راهيان نور) صفحه 248
4- دهخدا، ذيل عيد، زبيدى، تاج العروس، 8/438-439
5- ابن منظور، لسان العرب، 3/319
6- ابن منظور، همانجا، زبيدى / تاج العروس، 8/438
7- ابن منظور، همانجا - زبيدى / 8/839
8- تفسير نمونه، 5/131
9- خوراكى از آرد و شير
10- غذا يا حلوايى كه با شير تهيه مى‌شود
11- مجلسى، بحار الانوار، ج 40/ص 73

رمضان، تجلى معبود (ره توشه راهيان نور) ص 245